

احیای گروه های مرجع و میدان داری جریانات معتبر در عرصه سیاسی مهم ترین عامل مهار امواج رادیکالیسم سیاسی به عنوان یکی از چالش های داخلی دولت سیزدهم است

نوبت بازسازی مراجع سیاسی

مقابله با خط تخریبی گروه های مرجع به تقویت عقلانیت و امید و بر جسته شدن فضای قانونی رقابت سیاسی کمک می کند



رئیس و دولت جدید است. در این مسیر هر قدر رابطه مستقیم و غیرمستقیم دولت با جامعه بهبود پیدا کند و دولتمردان به زبان مشترکی با مردم دست پیدا کنند، ابتکار عمل از دستان جریان های منادی رادیکالیسم خارج می شود.

احیای گروه های مرجع، پادزهر رادیکالیسم

گروه های مرجع به عنوان کنشگران اصلی میدان سیاست که در عین فعالیت سیاسی، اعتبار اجتماعی در خوری نیز دارند، می توانند به مهار افسار رادیکالیسم بپردازند. واقعیت آن است که در سال های اخیر و به موازات افزایش نارضایتی های عمومی، یکی از خطوطی که بی گرفته شد، تضعیف گروه های مرجع و معتبر اجتماعی به انحای مختلف بود، به گونه ای که با رادیکال شدن فضای عمومی، جریانات مختلفی در داخل و خارج از کشور به شکل برنامه ریزی شده اهتمام خود را بر از میان بردن گروه ها و چهره های مرجع سیاسی معطوف کردند؛ رویه ای که در نهایت به آشفتگی فضای سیاسی نیز منتهی شد.

زمانی که چهره های معتبر به عنوان واسطه میان جامعه و نهاد قدرت، اعتبار خود را از دست می دهند، فضای سیاسی نیز تبدیل به میدان مگر گیری گروه ها و جریانات های غیراصولی می شود. گروه های مرجع سرمایه سیاسی هر جامعه به حساب می آیند که در صورت اهتمام به ارزش ها و منافع ملی می توانند بین رقابت سیاسی برای کسب قدرت و حفظ ثبات در بستر این رقابت تعادل ایجاد کنند. تضعیف و تخریب گروه های مرجعی که هر کدام منشأ اثر بر بخشی از جامعه هستند، تعادل را از میدان سیاست می گیرد.

با این تعاریف احیای گروه های مرجع و بازگشت میدان سیاست و تصمیم گیری به میان مراجع معتبر می تواند به تضعیف جریان های رادیکال منتهی شود.

میدان داری گروه های مرجع و اصیل از چند جهت برای الگوی سیاست ورزی کشور نیز مفید است.

۱- **تقویت عقلانیت سیاسی:** گروه های مرجع و معتبر به علت آنکه هم اعتبار خود را در گذر زمان کسب کرده اند و هم برای خود آینده سیاسی قائل هستند، میل کمتری در رویه های هیجانی و غیرعقلانی دارند. به همین خاطر در اکثر نظام های سیاسی باثبات، جریان های مرجعی که اعتبار سیاسی و اجتماعی خود را در گذر زمان حفظ کرده اند، جایگاه در خوری در سیاست ورزی دارند. وجود مجالس سنا در بسیاری از نظام های باثبات موند نیاز به همین رویه عقلانی در چارچوب میدان داری گروه های مرجع است.

۲- **برجسته شدن رقابت قانونی:** در جامعه رادیکال چشم انداز بلندمدتی وجود ندارد و همین مساله باعث کما اعتبار شدن رقابت ها در چارچوب های قانونی می شود. نیروهای اصلی فعال در این مسیر نیز اساساً عبور از مسیرهای قانونی را یک امتیاز به حساب می آورند. میل به افشاگری و دور زدن نهادهای قانونی نظارتی و قضایی، طرح مطالبات حد اکثری بدون توضیح چگونه محقق شدن این مطالبات و عدم پاسخگویی از جمله معایبی است که در این فضا پدیدار می شود. تجربه های تلخ سال های گذشته و سر برآوردن جریانات معلوم الحال ضرورت احیای گروه های مرجع را گوشزد می کند.

۳- **ترمیم اعتماد و امید جامعه:** گروه های مرجعی که خود را به چارچوب قانونی کشور مقید می دانند، برای تضمین آینده سیاسی خود هم نیازمند وجود حد بالای از امید و اعتماد در جامعه هستند. بر همین اساس برخلاف نیروهای رادیکال که با هدف گیری ثبات جامعه و چارچوب های قانونی برای خود امکان آفرینی می کنند، گروه های مرجع اهتمام بیشتری بر حفظ امید و اعتماد جامعه دارند. با توجه به فضای سیاسی تجزیه و فواید دیگر اخیر، تا نقشه پیداست میدان داری مجدد گروه های مرجع اصیل فضای عمومی جامعه را نیز بهبود می بخشد.

مثال انتخابات شکل گرفت و از سوی دیگر تلاش می شد از هر فرصت و مناسبتی برای تشویق مردم به کنشگری رادیکال بهره ببرند.

انفعال و رادیکالیسم هر قدر هم که در ظاهر نافی یکدیگر بودند، در بلندمدت همدیگر را تقویت می کردند. انفعال عمومی به گزینهای رادیکال امکان ظهور و بروز بیرونی می داد و در نهایت رویکرد رادیکال در بستر عمومی به انفعال لایه های بیشتری از جامعه در مواجهه با امر سیاسی کمک می کرد.

تضعیف جمهوریت، باور به عدم وجود منافع و مصالح ملی، چنددسته شدن جامعه و در نهایت فعال شدن گسل های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از دیگر تبعات گرفتار شدن کشور در چنین نقطه ای است. بر همین اساس تشکیل دولت جدید، تغییر ریل مدیریتی کشور و در نهایت طرح ایده های جدید مهم ترین امکان برای برون رفت از شرایط مذکور به حساب می آید.

ورود انتخاباتی حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی که سابقه رقابت با حسن روحانی را در سال ۹۶ نیز در کارنامه خود داشت، یکی از امکان ها برای خروج جامعه از بن بست بود که روحانی از خود به ارث گذاشته بود. در این فضا رئیسی علاوه بر سابقه رقابت با روحانی، پشتوانه مدیریت قاطعانه در قوه قضائیه را نیز در کارنامه داشت؛ امری که در نهایت به تقویت گزاره تغییر شرایط عمومی کشور کمک می کرد.

در این فضا رقبای داخلی رئیسی و جریانات خارج نشین افزایش می داد و سرمایه اجتماعی نظام را تضعیف می کرد و رادیکالیسم نیز مقدمات برجسته شدن ایده های براندازانه را مهیا می کرد.

رسانه های فارسی زبان خارج کشور و جریانات برانداز در چنین شرایطی تمام اهتمام خود را بر تثبیت این دوگانه معطوف کردند، تا جایی که از یکسو موج بی سابقه ای برای چراغ قرمز نشان دادن به تمام میدان های مشارکت سیاسی

تعهدات خود نیز باعث نشد روحانی ذره ای از این مسیر فاصله بگیرد تا سرانجام در ابتدای سال ۹۷ و ۳ سال مانده حسن روحانی با کلکسیون از تصمیم های ناکارآمد و غلط سیاسی و اقتصادی و مدیریت، جامعه را با سر خوردگی کم سابقه ای در دهه های اخیر مواجه کرد. از همین رو فارغ از مشکلات معیشتی و اقتصادی که حل کردن شان به عنوان ماموریتی دشوار شناخته می شد، دولت جدید باید فعالیت خود را در فضایی استثنایی از نظر سیاسی و اجتماعی آغاز می کرد. در این مسیر که یک سال از آغاز آن نیز گذشته است، بدون توجه به بایسته های ضروری برای تعادل بخشیدن به مناسبات دولت و ملت و عبور از میراث روانی روحانی در جامعه، چندان نمی توان برای بهبود شرایط عمومی کشور امکانی قائل بود.

۱- **تقویت عقلانیت سیاسی:** گروه های مرجع و معتبر به علت آنکه هم اعتبار خود را در گذر زمان کسب کرده اند و هم برای خود آینده سیاسی قائل هستند، میل کمتری در رویه های هیجانی و غیرعقلانی دارند. به همین خاطر در اکثر نظام های سیاسی باثبات، جریان های مرجعی که اعتبار سیاسی و اجتماعی خود را در گذر زمان حفظ کرده اند، جایگاه در خوری در سیاست ورزی دارند. وجود مجالس سنا در بسیاری از نظام های باثبات موند نیاز به همین رویه عقلانی در چارچوب میدان داری گروه های مرجع است.

۲- **برجسته شدن رقابت قانونی:** در جامعه رادیکال چشم انداز بلندمدتی وجود ندارد و همین مساله باعث کما اعتبار شدن رقابت ها در چارچوب های قانونی می شود. نیروهای اصلی فعال در این مسیر نیز اساساً عبور از مسیرهای قانونی را یک امتیاز به حساب می آورند. میل به افشاگری و دور زدن نهادهای قانونی نظارتی و قضایی، طرح مطالبات حد اکثری بدون توضیح چگونه محقق شدن این مطالبات و عدم پاسخگویی از جمله معایبی است که در این فضا پدیدار می شود. تجربه های تلخ سال های گذشته و سر برآوردن جریانات معلوم الحال ضرورت احیای گروه های مرجع را گوشزد می کند.

۳- **ترمیم اعتماد و امید جامعه:** گروه های مرجعی که خود را به چارچوب قانونی کشور مقید می دانند، برای تضمین آینده سیاسی خود هم نیازمند وجود حد بالای از امید و اعتماد در جامعه هستند. بر همین اساس برخلاف نیروهای رادیکال که با هدف گیری ثبات جامعه و چارچوب های قانونی برای خود امکان آفرینی می کنند، گروه های مرجع اهتمام بیشتری بر حفظ امید و اعتماد جامعه دارند. با توجه به فضای سیاسی تجزیه و فواید دیگر اخیر، تا نقشه پیداست میدان داری مجدد گروه های مرجع اصیل فضای عمومی جامعه را نیز بهبود می بخشد.

تضعیف جمهوریت، باور به عدم وجود منافع و مصالح ملی، چنددسته شدن جامعه و در نهایت فعال شدن گسل های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از دیگر تبعات گرفتار شدن کشور در چنین نقطه ای است. بر همین اساس تشکیل دولت جدید، تغییر ریل مدیریتی کشور و در نهایت طرح ایده های جدید مهم ترین امکان برای برون رفت از شرایط مذکور به حساب می آید.

ورود انتخاباتی حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی که سابقه رقابت با حسن روحانی را در سال ۹۶ نیز در کارنامه خود داشت، یکی از امکان ها برای خروج جامعه از بن بست بود که روحانی از خود به ارث گذاشته بود. در این فضا رئیسی علاوه بر سابقه رقابت با روحانی، پشتوانه مدیریت قاطعانه در قوه قضائیه را نیز در کارنامه داشت؛ امری که در نهایت به تقویت گزاره تغییر شرایط عمومی کشور کمک می کرد.

در این فضا رقبای داخلی رئیسی و جریانات خارج نشین افزایش می داد و سرمایه اجتماعی نظام را تضعیف می کرد و رادیکالیسم نیز مقدمات برجسته شدن ایده های براندازانه را مهیا می کرد.

رسانه های فارسی زبان خارج کشور و جریانات برانداز در چنین شرایطی تمام اهتمام خود را بر تثبیت این دوگانه معطوف کردند، تا جایی که از یکسو موج بی سابقه ای برای چراغ قرمز نشان دادن به تمام میدان های مشارکت سیاسی

تضعیف جمهوریت، باور به عدم وجود منافع و مصالح ملی، چنددسته شدن جامعه و در نهایت فعال شدن گسل های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از دیگر تبعات گرفتار شدن کشور در چنین نقطه ای است. بر همین اساس تشکیل دولت جدید، تغییر ریل مدیریتی کشور و در نهایت طرح ایده های جدید مهم ترین امکان برای برون رفت از شرایط مذکور به حساب می آید.

ورود انتخاباتی حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی که سابقه رقابت با حسن روحانی را در سال ۹۶ نیز در کارنامه خود داشت، یکی از امکان ها برای خروج جامعه از بن بست بود که روحانی از خود به ارث گذاشته بود. در این فضا رئیسی علاوه بر سابقه رقابت با روحانی، پشتوانه مدیریت قاطعانه در قوه قضائیه را نیز در کارنامه داشت؛ امری که در نهایت به تقویت گزاره تغییر شرایط عمومی کشور کمک می کرد.

در این فضا رقبای داخلی رئیسی و جریانات خارج نشین افزایش می داد و سرمایه اجتماعی نظام را تضعیف می کرد و رادیکالیسم نیز مقدمات برجسته شدن ایده های براندازانه را مهیا می کرد.

رسانه های فارسی زبان خارج کشور و جریانات برانداز در چنین شرایطی تمام اهتمام خود را بر تثبیت این دوگانه معطوف کردند، تا جایی که از یکسو موج بی سابقه ای برای چراغ قرمز نشان دادن به تمام میدان های مشارکت سیاسی

گروه های مرجعی که خود را به چارچوب قانونی کشور مقید می دانند، برای تضمین آینده سیاسی خود هم نیازمند وجود حد بالای از امید و اعتماد در جامعه هستند. بر همین اساس برخلاف نیروهای رادیکال که با هدف گیری ثبات جامعه و چارچوب های قانونی برای خود امکان آفرینی می کنند، گروه های مرجع اهتمام بیشتری بر حفظ امید و اعتماد جامعه دارند

نگاهی گذرا به جایگاه عدالت در آثار استاد محمدرضا حکیمی به بهانه نخستین سالگرد وفات این اندیشمند دینی

اسلام، مذهب دادگری

وجه آثار استاد حکیمی است و از این نظر به سختی می توان عالم دیگری را پیدا کرد که عمر علمی خود را به تبیین این مفهوم در دین پرداخته باشد. حکیمی در مقاله های با عنوان «حکام دین و اهداف دین» می گوید که احکام دین باید در جهت اهداف دین و تامین کننده آن باشد و بدون عنایت به اهداف دین نمی توان احکام دین را به درستی استنباط کرد و از آنجا که عدالت مهم ترین هدف دین است، همه احکام باید در جهت آن باشد. حکیمی آنچنان که در عمده آثار خود و به طور ویژه در جلد های ۳ تا ۶ دایره المعارف الحیات اشاره کرده، بر آن است که از آیات و روایات دانسته می شود که رابطه مال و انسان به یکی از این ۵ شکل است و هر یک حکمی ویژه دارد: ۱- غنای تکثاری ۲- غنای وافر ۳- غنای کفافی (غنای مشروع) ۴- فقر (نیازمندی و کمبودداری) ۵- مسکنت (نداری و تهیدستی). در ادامه به توضیح حکیمی درباره هر یک می پردازیم: ۱- **مسکنت** (هیچ نداشتن): این پدیده واجب الدفع فوری است و باید بی درنگ و بدون ملاحظه، به فرد مسکین امکانات لازم داده شود؛ تا جایی که در روایات آمده است اگر کسی سیر بخوابد و همسایه مسکینش گرسنه بماند، مسلمان نیست. یا اگر اهل آبادی ای شبی را بگذرانند که در میان آنها گرسنه ای باشد، خداوند متعال به آن مردم نظر رحمت نخواهد کرد. ۲- **فقر** (کمبود داشتن): این پدیده نیز باید از میان برود

و شیب تیره را پس زند... و مگر نکرد و بر نیامد و نتابید؟ و مگر خورشود خویش را، همراه تیغه آفتاب، بر سر آبادی ها فرود نیارود...؟ پس بر خورشید همان است که برآید و روشن کند. سپس وظیفه دیگران است که منطبق گسترش فروغ او را غصب نکنند. استاد حکیمی در ادامه، سخنی را که از علامه امینی درباره مرجعیت امام خمینی شنیده بود، فاش کرد: دیگران غاصبند و این مقام، حق مسلم آن فریادگر است و در پایان سخن آمده است: به هر حال، روح خدا تنها ماند و فریاد من انصاری الی الله او را نحن انصار اللهی بر نیامد. همچنین نخستین کسی که از آیت الله خمینی با لقب امام یاد کرد، حکیمی بود. وی در آغاز کتاب سرود جهش ها که اردیبهشت سال ۱۳۴۳ منتشر شد، از وی با این لقب نام برد. البته آن برگ از کتاب چیده شد تا سرانجام پخش آن امکان پذیرفت اما در جایی دیگر از همان کتاب از امام خمینی چنین یاد شده است: «پیشوای شیعی اندیش معاصر و یادگار پیشینه های شیعه، امام...». همچنین او، بار دیگر سال ۱۳۵۵ در آغاز کتاب حماسه غدیر، بعد الحمد و الصلوه، نوشت: سلام علی علی و علی اولاده فی القرون و امتداداته الوجودیه فی الاعصار، لاسیما الامتداد المعاصر الامم...»

گروه سیاسی: آخرین روز مرداد سال گذشته، انقلاب اسلامی با یکی از بزرگ ترین اندیشمندان خود وداع کرد. علامه محمدرضا حکیمی از بزرگان مکتب تفکیک در حوزه علمیه مشهد بود که به علت منشی ویژه انقلابی خود و سبک زندگی زاهدانه ای که داشت، به عنوان یکی از نام آورترین چهره های فکری انقلاب اسلامی شناخته می شد. رهبر حکیم انقلاب نیز در پیام شان به مناسبت درگذشت این عالم ربانی، ایشان را «دانشمندی جامع، ادیبی چیره دست، اندیشه ورزی نوآور و اسلام شناسی عدالت خواه» خواندند.

استاد حکیمی در زمره حوزویانی بود که از ابتدای نهضت امام خمینی (ره) به سمت ایشان و مسیرش تمایل پیدا کرد و در این مسیر نیز جلوار بود. برای مثال مرحوم حکیمی در کتاب فریاد روزها، ضمن دفاع از مرجعیت امام خمینی و لزوم کناره گیری دیگر مراجع نوشت: «مساله تنها متوجه بودن و مناسک نوشتن نیست، بلکه مساله مرزبانی قرن... و احیای خون شهیدان و تطهیر زمان ادای رسالت نسل است... پس اینجا واجب است آنان که این موهبت ها را ندارند، خدا را در نظر آرند و کنار روند (خلق الله للحروب رجالاً و رجالاً لقصه و ثرید) و از دایره استعداد و لیاقت خویش توسعه بیشتر نطلبند. و مگر آن کس که شایسته است (امام خمینی)، چه خون جگری بیش از این باید بخورد؟ و مگر بر خورشید بیشتر از این است که از سنگینی شب تیره نهراسد و از سایه کارکنان سیاهی ساز پیم

بگیرد و به محرومان بدهد یا در منظوره های دیگر اجتماعی به مصرف برساند، زیرا هدف اصلی در اسلام ایجاد قسط است و اصل اقامه قسط در جامعه اسلامی، بر همه اصول و قوانین و قواعد دیگر حاکم است و باید در همه جا و حکم و فتوایی همین اصل ملاک باشد و لاغیر. ۵- **غنای تکثاری:** این غنا یعنی فراوان داشتن و فراوان خواستن و دفع فوری آن واجب است. غنای تکثاری، طرف افراط مال است و مسکنت، طرف تقریب آن، و هر دو ویرانگر عدالت و کرامت انسان است. در متون اسلامی آمده که مال موجب قوام جامعه است و تکثیر ضد قوام از کنار هم نهادن اینها به دست می آید که مال تکثاری اصلاً مالیت ندارد، زیرا ضد آن چیزی است که اسلام به آن نام مال داده است. چنین مالی باید فوراً مصادره شود و به صاحبان اصلی آن بازگردد تا از محرومیت بیرون آیند. اینکه می گویم مصادره، نه از آن سودی می بریم و نه از ذکر این کلمه التذادی، بلکه به واقعیت انقلابی و اسلامی آن می اندیشیم. مرحوم علامه حکیمی با قائل شدن ۲ وجه قوامی و قیامی برای مال، به دنبال از میان برداشتن مسکنت و تکثیر در جامعه اسلامی بود. ایشان در این زمینه کارویژه اصلی حکومت دینی را احیای عدالت به عنوان شرط حیات بخشی به احکام دینی می دانست. خروج موضوع فقر از واقعیتی جبری و تعریف ریشه کنی آن به عنوان وظیفه ای دینی مهم ترین هدف این عالم دینی بوده است.